

از درون

بختی درباره مشاغل که در دست مهاجران است چراغی که به خانه روست، به مسجد حرام است

طرح نو آورد و مشکلات مهاجرت را تنها مردمی که به آن دچار شده‌اند درک می‌کنند. مهاجرت، خوسته با ناهوشیاری، محصول سختی است و حاصلش نیز، سختی و رنج ندارد. این امر برای مردمی است چون ما که کشورمان یکی از بزرگترین جمعیت مهاجران جهان را بدوخته شاید قابل درک تر باشد. اما واقعیت اینجاست که بسیاری از مهاجران با ایران با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند که هر یک به تنهایی می‌تواند زیست فردی را با مخاطره مواجه کند. این حال، خبرگزاری فارس از حضور زندان‌های مهاجر افغانی در ماندانگرد خبر داده و حضور بیش از ۳۰ هزار نفری آنها را در این منطقه زنگ خطر می‌داند که باید شنید چرا که آمار و زمین‌های کشاورزی نوسان افغانی و توانایی آنها برای امداد مالی محدود است. همچون سبزی میوه باغشده است که برای نمونه در آسرد، که یکی از بهترین نقاط کشت سبزی میوه به حساب می‌آید. الگوی کشت، به سمت کشت خیار و گوجه‌فرنگی که قابلیت جمع آوری آن تا پایان تابستان فراهم است. پیش‌روش و سود سربازی بسیاری از ویلاهای خوش‌نشین نیز به امید سپرده شدن مهاجران و حضور آنها در کشور، همواره از جمله موارد بحث برای انگیزه بوده که مخالفان و موافقان بسیاری را خود هم‌راه کرده است. این موضوع بهانه‌ای شد تا سرانجام تعدادی از شهروندان بی‌برگه و بی‌مکان آنها را در میان موضوع، جویبار کنند.

بازار کار طبیعتاً خاطر این بون بدستوردها، کارفرمایان با حضور افغانی‌ها موافق نرند و آنها هم به دلیل احسالی اجتماعی مجبور به مسامحه‌مندی‌شان بد شرایط هستند. مهاجران بخت بدباشغال سبید اما نگاه متفاوتی به این امر دارد. ۴۲ ساله است و هر چند به گمشد، بسیاری از مشاغل که در دست مهاجران قرار دارد، جمله مشاغل سطح پایین جامعه است. مهاجران به سمت همچنان باید مرقب بود تا مهاجران به دست مشاغل بهتری که می‌تواند در دست اتباع ایرانی باشد، روند در این باره می‌گوید: ما در کشور طرفی مشکل داریم که کارگرانی که با سبب شده تا کارفرما هستند به کارگرانی که با قیمت پایین کار می‌کنند. افغانی بیشتر داشته باشند، به همین خاطر به نظر من باید دست‌های برای ایجاد فرصت‌های مناسب شغلی ایجاد کرد تا این که توقع داشته باشیم این مهاجران از این جا روند تا برای اموری که ایرانیان به این باقی دارند، بدستوردها. هر چند مطابق تعارض بر وجود نرند اما مهاجران بسبب، اما به مانگن من چراغی که خانه روست، به مسجد حرام است. شاید ۱۶ ساعت و معنقد است که همه باید به یک چشم دید و با سویی قضایا، خصوصاً مهاجران باید عادلانه باشد. او در این باره می‌گوید: ما به شرایطی هستیم که به مهاجران و کارگر آنها تاحدی نیاز داریم. اگر کارکنان مهاجر نباشند، اولین چیزی که به مشکل برمی‌خورد صنعت ساختمان سازی است. اولین بون دستوردها، کارفرمایان با حضور افغان ها موافق نرند و سبید اما نگاه احساسی کار می‌کنند در حقیقت ما به مسامحه و نادانند به شرایط هستند. این کار نرند است.

بازار کار طبیعتاً خاطر این بون بدستوردها، کارفرمایان با حضور افغانی‌ها موافق نرند و آنها هم به دلیل احسالی اجتماعی مجبور به مسامحه‌مندی‌شان بد شرایط هستند. مهاجران بخت بدباشغال سبید اما نگاه متفاوتی به این امر دارد. ۴۲ ساله است و هر چند به گمشد، بسیاری از مشاغل که در دست مهاجران قرار دارد، جمله مشاغل سطح پایین جامعه است. مهاجران به سمت همچنان باید مرقب بود تا مهاجران به دست مشاغل بهتری که می‌تواند در دست اتباع ایرانی باشد، روند در این باره می‌گوید: ما در کشور طرفی مشکل داریم که کارگرانی که با سبب شده تا کارفرما هستند به کارگرانی که با قیمت پایین کار می‌کنند. افغانی بیشتر داشته باشند، به همین خاطر به نظر من باید دست‌های برای ایجاد فرصت‌های مناسب شغلی ایجاد کرد تا این که توقع داشته باشیم این مهاجران از این جا روند تا برای اموری که ایرانیان به این باقی دارند، بدستوردها. هر چند مطابق تعارض بر وجود نرند اما مهاجران بسبب، اما به مانگن من چراغی که خانه روست، به مسجد حرام است. شاید ۱۶ ساعت و معنقد است که همه باید به یک چشم دید و با سویی قضایا، خصوصاً مهاجران باید عادلانه باشد. او در این باره می‌گوید: ما به شرایطی هستیم که به مهاجران و کارگر آنها تاحدی نیاز داریم. اگر کارکنان مهاجر نباشند، اولین چیزی که به مشکل برمی‌خورد صنعت ساختمان سازی است. اولین بون دستوردها، کارفرمایان با حضور افغان ها موافق نرند و سبید اما نگاه احساسی کار می‌کنند در حقیقت ما به مسامحه و نادانند به شرایط هستند. این کار نرند است.

دیگری بر کثرت جمعیت حاضر تاکید می‌کند و از آن نتیجه می‌گیرد که شیعیان امام حسین (ع) قدرت قابل توجهی هستند و آن را بهایی‌ها در گذر گذشته‌ها می‌دانند. این جریان می‌کوشد هر چه بیشتر به سبب سگرمی و ازدحام جمعیت توجه و نظر رسانه‌ها را به این موضوع بکشد. اما فارغ از این جریان‌های مختلف سالیانه شرکت مردم در این حرکت از جنبه رفتارشناسی هم قابل ارزیابی است. به راستی کسی که از چرخه تکراری زندگی روزمره خارج شده و چند روز بیاده به سوی هدفی انسانی و اعتقادی حرکت کرده نوعی زندگی جمعی را تجربه کرده است. به سختی او در خطرات جانی احتمالی را بوی جان خرید و از این حرکت احساسی عاطفی شورانگیز چه تأثیری می‌تواند پذیرفته‌اند؟ مسلمانان چنین فریادی کسی که هم‌چنان در روزمرگی خویش عموماً گرفتار است متفات خواهد بود. او از این تجربه عرفانی و انسانی بهره گرفته‌وا و وجهی دیگر به زندگی بازمی‌گردد. اما مهم ناهفته کردن و تداوم این نفوذ و تأثیرات است که به چند روز و چند هفته خاصه نشده و بتواتر در مناسبات فردی و اجتماعی ما مایمان و ماندگار شود. با توجه به افول اخلاقی و سبب خود شاهد آن هستیم و گسترده‌ی آسیب‌های اجتماعی مختلف باید دید میزان آرزویین جامعه ما چیست؟ با آوری این معضلات این ناپایب مردم چه یعنی؟ این گوش می‌ساده که خطاب به حضرت زینب (س) گفت: ای خاورها، بگو که ما چه می‌کنیم؟ کسی که با گوش کن تا کم‌کم خویش را با تو بزرگواریم، با خواندن سوره‌های مهربان این نوستی که باید بزرگواریم.



نگاه منتقد

فرهنگی گرفته تا طبیعی. باقی ماند آنها به بول و تروت بیشتر که نیاز نرند اما همین طبع ناصیل شان آنان راه حرم و از کشاده است. اکنون کارزوی جدید پیش‌روی فرهنگستان جامعه ایران قرار دارد این یک مواجهه کامل قانونی و هوشمندانه از طرف کسانی است که دنبال حفظ اصالت‌های ایرانی هستند. برای چنین فرهنگنگی طبیعت و فرهنگ ایران هر تنیده است بدون هیچ یک از آنها هویات ایرانی باقی نمی‌ماند تاکنون دلسوزان این کشور بسیار رنج کشیده‌اند از این کم‌بیش از حدود ۲ دهه است که هر گوشه‌ای از این مملکت زیر هجوم هموطنان بی‌اطلاع خود- به نام گر-شگران- لگدمال شده است به غم این رنج فرایند فرستی برای اصلاح دستت نمی‌داده با کسی رهی نمی‌شناخته است اکنون دفاع از جزیره آشوراده در برابر تأسیسات گردشگری آن فرصت‌زوری است. آیا با دیدن مردم از آشوراده حلقیم؟ هرگز وای مگر جوهرات را در اختیار هر کسی قرار می‌دهند؟ آن کسانی حق دارند بداجا بروند که قدر آن را بدانند و در برابر نشانه‌های حقت خاص باشند. چنین است که گردشگری باید در اندازهای کوچک را پیشنهاد می‌کنیم.

آیا ما را استغرابی برای ساکنان استان گلستان مخفییم؟ البته که نه اما این را می‌دانیم که فسار ناسی از بی‌کاری در آن استان حاصل خشک شدن دریاچه‌ها و نرند سوی دیگر کشورمان است که باعث شده‌سیل مهاجران بیکار بدین سوره شوند مشکل بیکاری عزیزان میسرانی ما در میسران حل خوامیم کردنمگر گلستان.

هیچ فراموش نکرده‌ایم زمانی که برای نجات دریاچه ارومیه تبلیغات می‌کردند آری چون اقبال عمومی ندان سود و سود پس چنین شعارهایی هم کاربرد فراوان داشت اگر چه هیچ برای آن دریاچه نکرده‌اند اکنون اقبال عموم آگاهان جامعه مانع خواهد شد تا دریاچه ارومیه جدیدی از دریاچه خزر سازند چه تا نرند آشوراده چه تا انتقال آب آن به ماسان.

به واقع آشوراده به نماد بازاری در برابر تحریرات دستوری محجرب‌زیست تبدیل شده است. دفاع آگاهان دلسوزان جامعه از این جزیره در این زمان ناسی بسیار نپایب کنده است بلکه که تحریرات ناسی از رفتارهای فردی و نیز فرهنگ عمومی را به هم میراند و اندوه و رواج بسیار بیشتر فردی بگیریم همه‌ها را طبعی و فرهنگی مایب‌نیز تبدیل شده است. محط‌نرند، محط‌نرند زمان سبگرمی قرار گرفته است اکنون مخالفت از حمت جانده گذشته دلسوزان محط‌نرند، محط‌نرند زمان سبگرمی قرار گرفته است. دستوری ترویم، ترویم طرفی اگر بوی کشورمان میان علامت‌نرند، محط‌نرند چنان هم عرضی خطر قرار گرفته است. همه علامت‌نرند ایران و ایرانی - تدار و نمانی و فردیتش، او سبب سبگرمی است که هرگز به تعداد سودنرند نمانی، بسبب سبگرمی است که حکم کتاب استعماری قرار می‌گیرد. سبگرمی است که به خولست خاطر این گروه بسیار ششاده و آندک باشکایتی‌است.

اما پس از آشوراده نوبت احسان ملی در سستان عزیز است همان‌دگر گاهر سستان.



آشوراده؛ نماد مقاومت ملی در برابر تخریب دستوری محیط زیست

چیز سالم، بکر و اصیلی در این کشور باقی ماند. لاند دیده‌اند کسانی را که بر اماکن تاریخی با خط زشت خود باه کاری می‌نویسند. همیشه در این کفرم که این افراد چرا نمی‌خواهند حتی یک میراث این کشور سالم بماند. چرا می‌خواهند به هر چیزی خنده‌وار و کند کنند. چرا برای لذت کولمانند خود- از تسکین عده‌های فروخته گرفته تا به دست آوردن ثروت‌های افسانه‌ای- به هر کاری دست می‌زنند. عیبی این که این اقدامات، دیگر آنها را نگران نمی‌کند.

فرضی می‌کنند که یک بادگاری نوس-وی سون‌های تخت جمشید باشد یا سازنده هتل در آشوراده به یاد می‌آورم همین جاعتی را که بی‌ش از دهه پیش در مورد کلادشت گفتند که این جا بهشت پنهان است که البته منظورشان این بود که چرا تاکنون بهشت فلفلف خلی رودان را به جهنمی تبدیل کردند- از ساختمان‌های سبگرمی گرانی تمدن کلوی- که هویست فرهنگ طبیعت و اخلاق مردم این منطقه را زیر و رو کرده است. این آری این معج بهشتی را بر نمی‌تابند. در واقع چیزی است که در از آن بی‌بهره‌اند. اصالت است همین است که در ناختود آگاهشان نمی‌خواهند که هیچ چیز اصیلی- از

آرش خیراندیش
مدیرعامل
theyrandish@gmail.com

معداری از وزن الماس در برای نور با این کار کم‌شدها قضیه چیست؟ دستور داده که جزیره آشوراده به جای حفاظت دقیق زیست‌محیطی تحویل عده‌ای شود که به بهانه ایجاد پروژه‌های گردشگری فقط به فکر تروتانوری هستند همین و بس. این هم که در ایران جهان تاریکی نندازد همیشه طبیعت و فرهنگ را قربانی سیاست و پول کردند. جزیره آشوراده تنها جزیره در برای خزر است. به روایتی همان جزیره آبسگون است که سلطان محمد شاه زنده بود از زمانی که شاهنشاهی صفوی در ایران سپاه مهاجر گنجز خان معلول بنده را در هر چه بوده اکنون به مانند جواهری است در شمال ایران که چندان دست‌نخورده است هنوز صدها هزار پونده مهاجر هر سال در پاییز و زمستان از سبیری بدان مهاجرت می‌کنند تا چند سهار از آن بختینان. سبیری نمود باشند و زرق و زوری که هرگز پورده میراث تعیین فرموده‌اند آب و خشکی به دست آوردند. آسجی اطراف آن از سوزن پر است از انواع ماهیانی که این آسجی ماهی‌ها می‌شاندند. حتی ماهیانی در موبوست جمانی عین انواع ماهیان خاوری‌ای از آشوراده هنوز آرام و بوقار است. هنوز زیبا و بارگه است. اما گویا عده‌ای نمی‌خواهند هیچ

یکی مانده به آخر

یادداشتی بر مهم‌ترین اتفاق هفته اربعین و سبک زندگی



کرد ما تا تکدیک حلیبه و تکبندی بر این ارزش‌ها هم می‌تواند کششگر از آن تعقیق و تداوم این انگیزه با زاردار چنان که از هدف را بی‌مبزی و غلبه بر دشمن برادر دهنده و تحقق عدالت و آزادی در مناسبات اجتماعی خود.

به واقع هر میان‌بازرگانه و سبگرمی هم می‌توان نگریست و آن جنبه اخلاقی انسانی و سبک زندگی است. چرا که اسام حسیین (ع) در عین این که در مقابل مستبدان زمین خویش موضعگیری کرده، با بسیار نیروها، سوسان، خزانده، منتقدان، هم‌راسان، مخالفان و حتی سبب‌سایب دشمن رویه‌ها و رفتارهای داشت با سایرین و از جمله رفقا و رفیقان هم‌پوشش متفاوت بود. حتی در زمینه اعتقادی و عرفانی از ایشان آموزه‌های گرانقدر و عمیقی در دست است که کمتر بدان توجه

مهدی غنی
روزنامه‌نگار

نشد و به واقع کرلازل از لویه‌های مختلف گریسته است به هر کسی بنابه لویه دید خود تا تأثیرات متفاوتی از این حماسه بزرگ گرفتارست برخی بر جنبه‌های ترازیک و غمگینانه آن تاکید می‌ورزند و می‌گویند با شیعیان و اسیان کرلاظاظر هم‌رندی کنند. این رویکرد بیشتر به بازگویی شدت خونریزی و قسوت دشمنان امام حسین (ع) در روز عاشورا پرداخته و رنج و درد را در این حماسه پررنگ می‌کند. اظاظر هم‌رندی هر چه بیشتر بافتش کرلاظاظر مهم‌ترین ویژگی این جریان است که بسری آن، آثار اخروی بسیاری از نریم نرند. این گرایش در سال‌های اخیر رواج بیشتری یافت و محافل سنتی به آن گرایش بیشتر روی دارند. هر چه واقع کرلاظاظر جنبه‌های ترازیک و غمگین و صحنه‌های درآورد بسیار است اما علاوه بر این ناهفت به این جنبه سنتی مضایف بر نقش فریاد این حماسه بزرگ است ضمن آن که تاکید بر شور و هیول افزایش و پالیایش دشور و آگاهی چه سبب مایب بیرون‌باش اهداف آن رهبران فاضل‌افکند.

دیگری بر جنبه‌های حماسی و سیاسی و انقلابی اهمیت می‌دهد و بازگویی از آن می‌تواند خلق را علیه دشمنان امروزی برانگیزد. می‌توان گفت نگاه غالب در میان مبارزان قیل و قرلاظ و نیز زندگان دوران جنگ تحمیلی به این رویکرد نزدیک بود. هر خورد با حرکت از همین هم‌گانه دیده می‌شود برخی به حرکت گسترده با قدرهای رقیب با مخالفان اشاره می‌کنند. بی‌تردید می‌توان واقع کرلاظاظر گریه‌های عداوت خواهی و انقلاب خواهی و ظلم‌ستیزی را اجنا